

بررسی تأثیرات نقض قوانین بین‌المللی کپی‌رایت محصولات فرهنگی و هنری در ادامه فعالیت‌های تهیه‌کنندگان بخش خصوصی

نوید دهقانی / کارشناس ارشد مدیریت رسانه، دانشگاه پیام نور واحد تهران غرب، تهران، ایران.*
navid_dehghani_damavand@yahoo.com

چکیده

کپی‌رایت به عنوان یکی از پدیده‌های موجود در جوامع کهن بشری سابقه داشته است. با وجود این، جایگاه آن در نظام‌های حقوقی یا عرفی به نحو شایسته‌ای مورد حمایت قرار نگرفته است. مهم‌ترین و برجسته‌ترین حق در مالکیت فکری، حق انتشار آن است. حق نسخه‌برداری، مقدمه و شرطی برای منتفع شدن از اثر به شمار می‌رود. نسخه‌برداری از اثر بدون رضایت مولف آن، تجاوز به شخصیت و آزادی فردی تلقی می‌شود. به همین لحاظ، فقط مؤلف است که می‌تواند انتشار یا معرفی کردن اثرش را اجازه دهد یا موافقت کند که دیگران، از اثرش به منظور تنظیم یک اثر ترکیبی و یا جمعی، استفاده نمایند. این جنبه از مالکیت فکری که در مقوله کپی‌رایت می‌گنجد، نیازمند حمایت است. اهمیت حمایت بدان جهت است که نقض کپی‌رایت موجب از بین رفتن روحیه خلاقیت و تزلزل فرهنگ جامعه می‌شود. شناسایی حقوق مالکیت فکری برای دارندگان این حقوق، به تنهایی کافی نیست. در نظر گرفتن ضمانت اجرای نقض حقوق مالکیت ادبی و هنری (کپی‌رایت) می‌تواند به حفظ هرچه بیشتر حقوق پدیدآورندگان آثار مشمول کپی‌رایت کمک شایانی بنماید. ناگفته نماند که در قوانین ایران مجازات نقض حقوق مالکیت ادبی و هنری به صورت یکپارچه در نظر گرفته نشده است و قوانین متعددی در این زمینه وجود دارند. همچنین ایران عضو هیچ یک از کنوانسیون‌های بین‌المللی مربوط به حق مؤلف نیست و به «موافقتنامه تریپس» نیز نپیوسته است. به همین علت، آثار پدید آمده در ایران به وسیله افراد مقیم ایران در کشورهای دیگر محافظت نمی‌شوند.

کلیدواژه‌ها: مالکیت فکری، محصولات فرهنگی، کپی‌رایت، کنوانسیون برن، موافقت‌نامه تریپس، تهیه‌کننده.

Examining the Impact of Breaking International Copyright Laws on the Activities of Private-Sector Producers in Cultural and Artistic Products

Navid Dehghani / Master of Media Management, Payam Noor University, Tehran West Branch, Tehran, Iran.*

navid_dehghani_damavand@yahoo.com

Abstract

Copyright has existed as a phenomenon in ancient human societies throughout its history. In spite of this, it has not been adequately supported in the legal or customary systems. In intellectual property, the right to publish it is the most important and prominent one. In order to benefit from the work, it is necessary to have the right to copy. Copying a work without the author's permission is regarded as a breach of individual personality and freedom. The author is the only one capable of allowing his work to be published or introduced, or agreeing to allow others to use it to organize a composite or collective work. Support is required for the aspect of intellectual property that falls under the category of copyright. Support is necessary because copyright infringement damages the spirit of creativity and weakens society's culture. It's not sufficient to identify intellectual property rights for the owners of these rights by itself. Considering the guarantee of the enforcement of the violation of literary and artistic property rights (copyright) can help to protect the rights of the creators of copyrighted works as much as possible. Although there are many laws in this area, there is no punishment for violating literary and artistic property rights in Iranian laws. Iran does not participate in any international conventions related to copyright and has not signed the TRIPS Agreement either. Works created in Iran by individuals who live there are not protected in other countries for this reason.

Keywords: intellectual property, cultural products, copyright, Berne Convention, TRIPS Agreement, producer.

مقدمه

کپی‌رایت در کشور ایران هیچ‌گاه به طور جدی مطرح نبوده است. با وجود اینکه ایران بعضی از پیمان‌های سازمان جهانی مالکیت فکری را پذیرفته، اما عضو هیچ‌کدام از کنوانسیون‌های بین‌المللی Copyright نیست. به همین خاطر کپی کردن آثار جهانی در ایران نقض قوانین محسوب نخواهد شد. به این خاطر که صاحب اثر، مالکیت خود را در قراردادهای جهانی‌ای ثبت کرده است که ایران عضو آن‌ها نیست. از این‌رو، می‌توان گفت که ایران در این مسئله جهانی تنها ناظر است. با وجود عملکرد ضعیف کشورمان در این مورد، مجموعه قوانینی در ایران وجود دارند که از مولفان و هنرمندان حمایت به عمل می‌آورند. در نظر گرفتن مالکیت معنوی پدیدآورنده یک اثر، حتی اگر در قوانین یک کشور مطرح نباشد، امری اخلاقی است. از این‌رو، با خرید قانونی آثار هنری و ذکر نام صاحب اثر در بازنشرهایمان می‌توانیم از مولفان و هنرمندان حمایت کنیم. همچنین با وجود موضع ضعف ایران در قراردادهای بین‌المللی کپی‌رایت، قوانین داخلی محکمی برای حق مالکیت آثار وجود دارند که بسیاری از آن بی‌اطلاع هستند. پس اگر صاحب اثری بخواهد پیگردی قانونی برای سوءاستفاده‌کنندگان از دست‌رنجش انجام دهد، بدون شک امکان آن فراهم خواهد بود.

مالکیت فکری ترجمه واژه «Intellectual Property» است. برخی از حقوق‌دانان از آن با عنوان «مالکیت معنوی» یاد کرده‌اند (اصلانی، ۱۳۸۴: ۱۷). مالکیت فکری از حقوقی است که در پی ایجاد یک ابزار جدید یا یک نوآوری و ابتکار منحصر به فرد، به صاحب آن اندیشه تعلق می‌گیرد. در واقع، به این فرد خلاق که توانسته است با نیروی ذهنی و فکری خود وسیله‌ای جدید را اختراع یا اثری هنری و یا ادبی را خلق کند، حقوق انحصاری مبنی بر استفاده کامل از جنبه‌های مادی و غیر مادی آن در طی یک دوره زمانی خاص اعطا می‌گردد.

در پرتو این حق است که به صاحب حق اجازه داده می‌شود که در مورد چاپ یا عدم چاپ اثر ادبی، خودش یگانه مرجع تصمیم‌گیرنده باشد و تعرض هر شخص به این حق، اعم از حقیقی یا حقوقی منع گردد. ضمن آنکه مالکیت فکری مشتمل بر قواعدی مبنی بر شناسایی و حمایت از حقوق پدیدآورندگان و روابط آن‌ها با مصرف‌کنندگان نسبت به محصول پدید آمده می‌باشد (صالحی، ۱۳۸۶: ۴۰).

مالکیت ادبی و هنری یکی از بخش‌های تشکیل‌دهنده مالکیت فکری است. کپی‌رایت به

عنوان یکی از ابعاد مالکیت ادبی و هنری، حقی است که به موجب آن به پدیدآورنده اثر ادبی اجازه داده می‌شود که نسبت به انتشار و فروش اثر ادبی، هنری یا علمی خویش با پشتوانه حمایتی که از سوی قانون‌گذار نسبت به او صورت می‌گیرد، تصمیم بگیرد. از این‌رو، کپی‌رایت تمهیدی قانونی برای حمایت از حقوق مادی و اخلاقی پدیدآورندگان یا تولیدکنندگان آثار ادبی، هنری و علمی است که طرح و پایه‌ریزی شده است.

وجود کپی‌رایت در آثار ادبی و هنری، بهره‌برداری از اثر را برای همه افراد محدود کرده است. برای مثال، شخصی که خریدار یک کتاب است، نمی‌تواند از آن کتاب بدون مجوز از دارنده کپی‌رایت نسخه‌برداری کند. هم‌چنین شخصی که یک سی‌دی مورد حمایت کپی‌رایت را خریداری می‌کند، نمی‌تواند به صورت قانونی، نواری از روی آن برای دوستش کپی کند. ضمن آن‌که کپی‌رایت توانایی عمومی را در جامعه برای گسترش ایده‌ها و تولید کتاب‌های جدید منع می‌کند. برای مثال، برای این‌که شخصی بخواهد از آوازی تقلید کند، معمولاً ضرورت دارد تا قسمت‌های اساسی و مهم آن آواز و موسیقی را دوباره ایجاد کند.

به لحاظ منع مردم از تأثیر متقابل و پیش‌روی موضوع‌های فرهنگی در چارچوب رعایت قانون کپی‌رایت، مهم است که به طور پیوسته قانونی بودن کپی‌رایت و مبنای آن را مورد بحث قرار دهیم. در این زمینه، بایستی توجه داشته باشیم که هر کسی فکر نمی‌کند که کپی‌رایت چیز خوبی است؛ چراکه با توسعه اینترنت، تعدادی از کسانی که فکر می‌کنند کپی‌رایت به‌طور غیرمنصفانه، توانایی هایشان را در تولید آثار ادبی و هنری جدید از بین می‌برد، به وجود آمده‌اند، اما واقعیت این‌گونه نیست.

۱. مبنای حمایت از کپی‌رایت

در خصوص تردیدها یا نقدها در مورد کپی‌رایت، سه دلیل مهم وجود دارد که به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

الف. حقوق طبیعی (natural right arguments)

مطابق با نظریه حقوق طبیعی، دلیل این‌که چرا حمایت کپی‌رایت مورد مذاکره است، به این خاطر نیست که ما فکر کنیم که تمام مردم از کپی‌رایت نفع خواهند برد، بلکه به این خاطر از کپی‌رایت حمایت می‌شود که کپی‌رایت یک حق است و به‌طور شایسته‌ای هم

مورد حمایت واقع می‌گردد. به خصوص این که کپی‌رایت حقی است که حق مالکیت را در تولیدهای عقلی سازماندهی می‌کند، زیرا چنین محصولی از فکر نویسنده‌ای شخصی نشأت می‌گیرد. برای مثال، شعر به عنوان تلاش و الهام عقلانی، محصولی از ذهن شاعر مورد توجه است. به تعبیر دیگر، این محصول بیانی از شخصیت نویسنده است. با فرض این که اثری که به وسیله فردی خلق می‌شود، ماهیت یکتای آن فرد را منعکس می‌کند. استدلال‌های حقوق طبیعی در این جا از ما می‌خواهد که نتایج آن ابداع یا اثر را به عنوان مالکیتی انحصاری متعلق به مبدع یا نویسنده بشناسیم. در نتیجه، کپی‌برداری از اثر شخصی نویسنده، غصب مالکیت از او است که این فعل معادل سرقت است. به همین لحاظ، قانون کپی‌رایت درک قانونی و شخصی از این بدیهیات و دستورهای اخلاقی است.

ب. پاداش (reward arguments)

مطابق با نظریه پاداش، دلیل این که چرا حمایت کپی‌رایت مورد مذاکره است، این است که ما فکر می‌کنیم که منصفانه است، به یک نویسنده، به دلیل تلاش وی در ابداع یک اثر و عرضه آن به عموم، پاداش بدهیم. کپی‌رایت در واقع، یک بیان قانونی قدردانی و تشکر از نویسنده به خاطر انجام دادن کاری بالغ بر آن چه که جامعه از آن شخص انتظار دارد یا احساس می‌کند که متعهد به آن بوده است، می‌باشد. به تعبیر دیگر، بحث از کپی‌رایت، شبیه به باز پرداخت دین است. با وجود این، در تقابل با دیگر سیستم‌های پاداش، کپی‌رایت به عموم مردم اجازه می‌دهد تا دریافت‌کننده پاداش و اندازه آن را معین نمایند. تعداد نسخه‌های کپی‌شده از روی یک کتاب پرخریدار یا نسخه‌های ضبط شده از یک فیلم ویدئویی، ملاک میزان پاداش مالی است که به مالک اثر داده می‌شود. این نظریه، بیشتر با دیدگاه‌های مارکسیستی هماهنگی دارد.

ج. انگیزه (incentive arguments)

دلیل سوم بر این ایده استوار است که هر آن چه در کل برای عموم و جامعه مفید است، بایستی حمایت گردد. پیش فرض دلیل انگیزه این است که تولید و پخش عمومی یک موضوع فرهنگی مانند کتاب، موسیقی، هنر و یا فیلم یک فعالیت ارزشمند و مهم است و این که بدون حمایت از کپی‌رایت، تولید و پخش این موارد در یک سطح مناسب انجام نمی‌گیرد؛ چراکه آثار اغلب با هزینه‌های بالایی ابداع می‌شوند. به همین لحاظ، اولین انتشار اثر می‌تواند فرصت

را برای کپی‌برداری غیرمجاز فراهم کند. برای مثال، در حالی که برای نوشتن کتاب حقوق مالکیت‌های اخلاقی نوشته لیونل بنتلی (Bentley Lionel) وقت و انرژی زیادی هزینه شده است، منتشر کردن اولیه آن، می‌تواند به آسانی، با سرعت بالا و قیمت ارزان زمینه انتشار غیرقانونی مجدد آن را فراهم کند. بنابراین در صورت نبود قانون کپی‌رایت، ناقض کپی‌رایت می‌تواند به آسانی و بدون صرف هزینه‌ای برای ابداع ابتدایی آن، به تکثیر آن بپردازد؛ در حالی که به استناد دلیل انگیزه، اگر لیونل بنتلی مورد حمایت واقع نشود، این کتاب هرگز نوشته نمی‌شد یا منتشر نمی‌گردید.

بنابراین، کپی‌رایت حمایتی را مقرر می‌دارد که در پرتو آن کسانی که وقت زیادی را در تولید کالاهای فرهنگی و اطلاعاتی صرف کرده‌اند، مطمئن باشند که نه تنها سرمایه‌گذاری آن‌ها جبران می‌شود، بلکه سود و شهرت مناسبی را نیز با این آثار به دست می‌آورند (Bentley, 2001: 34). صرف‌نظر از این که کدام یک از این دلایل را بپذیریم.

۲. چهارچوب‌های کپی‌رایت محصولات فرهنگی در زمینه تهیه‌کنندگان بخش خصوصی

«کپی‌رایت» معادل اصطلاح «حق نسخه‌برداری» و «حق تکثیر و انتشار» است که ترجمه‌ای از اصطلاح «Copyright» می‌باشد. ضمن آن که این اصطلاح در نظام‌های رومی-ژرمنی به «حق مولف» شهرت دارد. اصطلاح «کپی‌رایت» در سال ۱۸۸۶ طی «کنوانسیون برن» وارد عرصه بین‌المللی گردید و به مسئولیت حمایت از کارهای ادبی و هنری اشاره کرد (صالحی، ۱۳۸۶: ۴۱).

صنعت فیلم‌سازی امریکا، برآورد نموده است که سالانه حدود یک بلیون دلار به دلیل کپی‌برداری غیرمجاز توسط دستگاه‌های ویدئویی ضرر می‌دهد و سالانه ده‌ها میلیون دلار برای تعقیب متجاوزان کپی‌رایت هزینه می‌شود. از این‌رو، برای طرح دعوا علیه افرادی که به حقوق پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری تعدی می‌نمایند، لازم است که آثار ادبی و هنری مورد حمایت قانون قرار گیرند. به همین مقصود، قانون کپی‌رایت به چگونگی، مدت و انواع حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان پرداخته است. این قانون اعمال مجازات علیه متجاوزان به کپی‌رایت را برای احقاق حقوق مادی و اخلاقی صاحبان اثر لازم می‌داند.

۱-۲. شرایط حمایت از اثر

برای این‌که آثار ادبی و هنری مورد حمایت قانون قرار گیرند، باید شرایطی داشته باشند.

۱-۱-۲. محسوس بودن شکل اثر

افکار و اندیشه‌ها مورد حمایت نیستند. تخیل‌ها باید از قالب ذهن خارج شوند و به صورت محسوس و عینی تجسم یابند، تا قابل حمایت باشند. موسیقی که ضبط شده، داستانی که نوشته شده و تصویری که در فیلم عکاسی ثبت شده است، از آثاری می‌باشند که شکل محسوس دارند (الستی، ۱۳۸۳: ۳۱). بنابراین تا زمانی که یک ایده از چارچوب تخیل ذهنی خارج نشود و نمود خارجی پیدا نکند، قابلیت حمایت قانونی ندارد.

۲-۱-۲. اصالت اثر

اثری قابل حمایت است که ابتکاری و اصیل باشد. بدین معنی که مظهر شخصیت و منویات پدیدآورنده و انعکاسی از افکار او باشد، اما نو بودن اثر، شرط نمی‌باشد (عبادی، ۱۳۶۹: ۸۵). به عنوان نمونه، اگر دو نقاش، از یک منظره تابلوهای مشابهی بکشند، بدون این‌که از هم تقلید کنند، اثر هر یک با توجه به این‌که نمایان‌گر شخصیت پدیدآورنده آن است اصیل محسوب می‌شود. اصالت می‌تواند دو گونه باشد:

۱. اصالت در محتوا: یعنی پدیدآورنده اولین فردی باشد که آن را خلق کرده است. مانند

نویسنده‌ای که برای نخستین بار در مورد واقعه‌ای داستان می‌نویسد.

۲. اصالت در تعبیر: پدیدآورنده اثر از محتوایی که در گذشته وجود داشته است، استفاده

می‌کند و اثر دیگری می‌آفریند که دارای ویژگی ابتکار است. مانند متون ترجمه یا اشعاری که با توجه به یک ضرب‌المثل سروده می‌شوند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۰: ۱۶۸).

به هر حال اصالت از هر نوع، وقتی وجود دارد که بیان‌کننده هویت اندیشه باشد و به آن

جنبه استقلال دهد. بنابراین نو بودن شرط نمی‌باشد. به همین دلیل، ممکن است اثر جدید صورتی تازه از اندیشه‌ای مبتدل و پیش‌پا افتاده باشد.

۳-۱-۲. اعلان مشخصات

دارا بودن مشخصات یا علامت‌های خاصی در روی آثار، از شرایط حمایت در ایران

نمی‌باشد، یعنی به طور کلی لازم نیست، علامت خاصی روی آثار ادبی و هنری درج شود، اما در مورد صفحات یا نوارهای موسیقی و صوتی استثنایی وجود دارد که در ماده ۴ قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی (۱۳۵۲) ذکر شده است: «صفحات یا نوارهای موسیقی و صوتی در صورتی حمایت می‌شود که در روی هر نسخه یا جلد آن علامت بین‌المللی-لاتین در داخل دایره و تاریخ انتشار و نام و نشانی تولیدکننده و نماینده انحصاری و علامت تجاری ذکر شده باشد».

پس در مورد صفحات یا نوارهای موسیقی و صوتی درج علامت بین‌المللی p برای حمایت از آن‌ها الزامی است. برخلاف ایران، در امریکا اعلان مشخصات از شرایط حمایت از اثر می‌باشد. صاحب اثر باید حرف C داخل دایره، تاریخ اولین انتشار و نام دارنده حقوق اثر را در کنار آن درج نماید، تا بر اساس قانون کپی‌رایت امریکا قابل حمایت باشد، اما با پیوستن امریکا به کنوانسیون برن (Bern convention, 1886)، با توجه به اینکه در کنوانسیون برن اعلان مشخصات از شرایط حمایت نمی‌باشد، امریکا قوانین خود را اصلاح نموده است. البته برای آثاری که پس از ماه مارس سال ۱۹۸۹ در امریکا برای نخستین بار منتشر شده‌اند، اعلان مشخصات اختیاری می‌باشد، اما همواره درج آن توصیه شده است، زیرا درج اعلان، در واقع، نوعی اطلاع‌رسانی به عموم افراد است که اثر، مورد حمایت است. در صورت عدم درج، کسی که حقوق پدیدآورنده را نقض کرده است، می‌تواند در دادگاه ادعا کند به این که اثر مورد حمایت بوده است، علم نداشته و این امر ممکن است در میزان خسارت تعیین شده از سوی دادگاه تأثیر بگذارد. حال آن‌که در کنوانسیون جهانی حق مولف ژنو (WCT, 1996) درج علامت p برای آثار صوتی و C برای حمایت از سایر آثار در نظر گرفته شده است. بنابراین برای حمایت از کپی‌رایت در عرصه بین‌الملل، اعلان مشخصات اثر دارای اهمیت است.

۲-۱-۴. ثبت اثر

ثبت اثر از شرایط حمایت قانونی در ایران نمی‌باشد، یعنی آثار بدون این که تشریفات ثبت را طی کرده باشند؛ در صورتی که سایر شرایط را دارا باشند، از حمایت برخوردار خواهند بود. ماده ۲۱ قانون حمایت حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان (۱۳۴۸) مقرر می‌دارد: «پدیدآورندگان می‌توانند اثر و نام و عنوان و نشانه ویژه اثر خود را در مراکزی که وزارت فرهنگ و هنر با تعیین نوع آثار، آگهی می‌نمایند، به ثبت برسانند».

از واژه «می‌توانند» در ماده فوق، چنین برمی‌آید که ثبت اثر در حقوق ایران از شرایط حمایت از حقوق پدیدآورندگان نمی‌باشد، اما اخذ تأییدیه فنی برای اقامه دعوی، در صورت نقض حقوق نرم‌افزارهای رایانه‌ای (۱۳۷۹) لازم می‌باشد. ماده ۹ قانون حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مقرر می‌نماید: «دعوی نقض حقوق مورد حمایت این قانون در صورتی در مراجع قضایی مسموع است که پیش از اقامه دعوی، تأییدیه فنی یاد شده در ماده ۸ این قانون صادر شده باشد. در مورد حق اختراع، علاوه بر تأییدیه مزبور، تقاضای ثبت نیز باید به مرجع ذیربط تسلیم شده باشد».

در رابطه با تشریفات ثبت اثر در ایران، مطابق آیین نامه اجرایی قانون حمایت حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان (۱۳۵۰)، ثبت اثر طی درخواست نامه چاپی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صورت می‌گرفت. مرجع ثبت اثر در تهران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و در شهرستان‌ها ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی بود. این رویه از هفتم شهریور ماه ۱۳۸۱ تغییر کرده است. در حال حاضر، ثبت آثار در کتابخانه ملی صورت می‌گیرد. هنرمندان و مؤلفان می‌توانند با مراجعه به کتابخانه ملی و ارائه یک نسخه از اثر خود، نسبت به ثبت اثر اقدام کنند. به همین منظور، فرم‌های ویژه‌ای بر اساس استانداردهای جهانی برای ثبت آثار تهیه شده است که اجرای این طرح با همکاری معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و کتابخانه ملی ایران انجام می‌شود.

اشکالی که در مورد این شرط وجود دارد این است که ثبت اثر از شرایط الزامی برای حمایت از حقوق پدیدآورنده نمی‌باشد؛ هر چند که ثبت اثر، مالکیت پدیدآورنده را بر اثر اثبات نمی‌کند، اما عمل ثبت، اماره شناسایی مالک است و در هنگامی که حقوق مادی و اخلاقی او در معرض تجاوز قرار می‌گیرند، در مقام اثبات ادعای او در دادگاه مفیده بوده و اثر شکلی دارد. ضمن آن که در موارد ثبت و تودیع اثر، می‌تواند مبنای انتشار اثر و مدت حمایت قانونی به حساب آید و در استیفای حقوق مادی او مؤثر باشد (Hart, 2004: 154).

پس، ثبت اثر موجب می‌گردد تا تشریفات رسیدگی راحت‌تر طی شود، چون ثبت اثر به نام پدیدآورنده، اماره شناسایی مالک اثر می‌باشد. به عنوان مثال، اگر شخص «الف» اثر عکاسی خود را ثبت نموده باشد و از شخص «ب» به دلیل انتشار و توزیع آن عکس بدون اجازه وی شکایت نماید و شخص «ب» ادعا کند که «الف» مالک آن اثر نمی‌باشد، چون اثر ثبت شده است، دادگاه آن را اماره‌ای بر مالک دانستن شخص «الف» می‌داند. در نتیجه، بار اثبات این امر

که ثبت اثر معتبر نیست برعهده شخص «ب» قرار می‌گیرد.

۲-۱-۵. مالیت داشتن اثر

معیار مالیت داشتن یک اثر در ایران تنها به ارزش اقتصادی آن بستگی ندارد؛ چراکه مالیت داشتن آن با توجه به عرف و نظم عمومی و اخلاق حسنه سنجیده می‌شود (آیتی، ۱۳۷۵: ۸۲). در نظام قانونی کشور ما که مبتنی بر موازین شرعی است؛ آثاری وجود دارند که دارای ارزش اقتصادی می‌باشند، اما چون مبادله آن‌ها برخلاف نظم عمومی و اخلاق حسنه می‌باشد، مورد حمایت قانون قرار نمی‌گیرد. به عنوان مثال، یک فیلم مستهجن، یک شعر توهین آمیز و نظایر آن، از آثار قابل حمایت به شمار نمی‌آیند؛ چراکه مبنای قانون‌گذار این است که از منافع و مصالح اجتماع حمایت کند و اگر اثری مخالف با اخلاق حسنه باشد از لحاظ شرعی و قانونی ارزش اقتصادی ندارد.

۲-۱-۶. شرط نخستین بار

بر اساس قانون ایران لازم است که چاپ یا پخش یا نشر یا اجرای اثر برای نخستین بار در ایران باشد. در این رابطه، ماده ۲۲ قانون حمایت حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان مقرر می‌دارد: «حقوق مادی پدیدآورنده موقعی از حمایت این قانون برخوردار خواهد بود که اثر برای نخستین بار در ایران چاپ یا پخش یا نشر یا اجرا شده باشد و قبلاً در هیچ کشوری چاپ یا نشر یا اجرا نشده باشد».

بنابراین اگر یک اثر ادبی و هنری برای اولین بار در ایران چاپ یا پخش یا نشر یا اجرا نشده باشد، از حمایت برخوردار نخواهد بود. البته پیش‌نویس قانون مالکیت ادبی و هنری در این خصوص به غیر از ملاک نخستین انتشار در ایران یا انتشار ظرف مدت ۳۰ روز از انتشار نخستین در ایران، ضابطه تابعیت ایران یا سکونت در ایران را هم، در نظر گرفته است.

۲-۲. مدت حمایت تهیه‌کنندگان بخش خصوصی از محصولات فرهنگی

در رابطه با مدت حمایت باید میان حقوق مادی و اخلاقی دارنده کی‌رایت قائل به تفکیک شد. حقوق اخلاقی پدیدآورنده محدود به زمان نیست و همواره مورد حمایت قانون قرار می‌گیرد. حتی پس از مرگ صاحب اثر، اگر کسی به حقوق اخلاقی او تعرض نماید، ضمانت

اجرا خواهد داشت، اما قاعده کلی طبق طرح اصلاحیه ماده ۱۲ قانون حمایت حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان (مصوبه مجلس شورای اسلامی در مورخ ۱۳۸۹/۰۴/۱۳ و تأیید شورای نگهبان) مقرر گردید که حقوق مادی پدیدآورنده در طول حیات او معتبر است و بعد از مرگ هم به مدت ۵۰ سال متعلق به وراثت یا شخصی است که این حقوق به موجب وصیت به او منتقل شده است. اگر پدیدآورنده وراثتی نداشت و حقوق خود را از طریق وصیت نیز به کسی واگذار نکرده بود، برای همان مدت (۵۰ سال)، کلیه حقوق مادی متعلق به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بوده و پس از آن هر کسی می‌تواند از آن ممتنع گردد.

مطابق اصول کلی در فقه اسلامی، اموال فردی که وارث ندارد باید در اختیار حاکم اسلامی قرار گیرد که در این رابطه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، جانشین حاکم اسلامی است. در پیش‌نویس قانون مالکیت ادبی و هنری مدت حمایت از آثار، ۵۰ سال پس از مرگ پدیدآورنده تعیین شده است.

به موجب بند ۱ ماده ۷ کنوانسیون برن و همچنین موافقت‌نامه تریپس (TRIPS Agree-ment, 1995) و کنوانسیون جهانی حق مولف (World Intellectual Property convention, 1976)، مدت حمایت، ۵۰ سال پس از مرگ پدیدآورنده اثر است. آشکار است که بین قانون رایج در ایران و قراردادهای بین‌المللی فوق، در زمینه مدت اعمال حمایت تفاوت وجود دارد، اما در پیش‌نویس قانون مالکیت ادبی و هنری دقیقاً مدت ذکر شده در کنوانسیون برن آمده است و قانون کپی‌رایت امریکا نه تنها حداقل لازم را رعایت می‌کند، بلکه مواعد طولانی‌تری را برای حمایت در نظر گرفته است. کنوانسیون رم (Rome Convention, 1961) حداقل حمایت را ۲۰ سال از تاریخی که اثر در آن ضبط شده یا برنامه اجرایی و نمایشی در آن به وقوع پیوسته یا برنامه رادیویی و تلویزیونی پخش شده، شناسایی کرده است؛ در حالی که معاهده حق مولف ژنو حداقل دوره حمایت را در مورد آثار صوتی ۵۰ سال می‌شناسد و معاهده اجراکنندگان و آوا نگاشت‌ها (WPPT) حمایت از حقوق اجراکنندگان آثار را حتی پس از مرگ آنان تأمین می‌کند.

۲-۳. آثار مورد حمایت از محصولات فرهنگی

ماده ۲ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان اثرهای مورد حمایت را نام

می‌برد:

۱. کتاب و رساله و جزوه و نمایشنامه و هر نوشته دیگر علمی و فنی و ادبی و هنری. عبارت «هر نوشته دیگر» نمایان‌گر این است که مصداق‌های مورد اشاره، حصری نیستند و هر اثری که بیان‌گر شخصیت پدیدآورنده آن باشد. از جمله، مقاله‌های مطبوعاتی، فیلمنامه یا اقتباس و تلخیص از آثار دیگر، از حمایت قانونی برخوردار است.
۲. شعر و ترانه و سرود و تصنیف که به هر ترتیب و روش نوشته یا ضبط شده باشد. آثار صوتی ضبط شده بر روی صفحه یا نوار یا هر وسیله دیگر یا اشعار و سرودهای نوشته شده مورد حمایت هستند.
۳. اثر سمعی و بصری به منظور اجرا در صحنه‌های نمایش یا پرده سینما یا پخش از رادیو و تلویزیون که به هر ترتیب و روش نوشته یا ضبط شده باشد. اثر رادیویی، برنامه‌ای است که برای پخش از رادیو، خلق یا مورد اقتباس قرار گرفته است. اثر تلویزیونی، مجموعه تصاویری است که بر اساس قواعد و ویژگی‌های خاص این رسانه پرداخته شده و در نهایت، یک برنامه تلویزیونی را می‌سازد (میلرسون، ۱۳۷۷: ۹). اثر سینمایی، تصاویر عکس‌برداری شده متحرک توسط دستگاه سینما توگراف است؛ به شرطی که نمایان‌گر شخصیت و ابداعات و ابتکارات پدیدآورنده آن باشد (پودوفکین، ۱۳۷۰: ۲۶).
۴. اثر موسیقی که به هر ترتیب و روش نوشته و یا ضبط یا نشر شده باشد:
 - الف. ملودی یا مایه اصلی آهنگ.
 - ب. ریتم یا ضرب.
 - ج. هارمونی (همسازی و هم‌آهنگی).
 - د. تنظیم.
۵. نقاشی و تصویر و طرح و نقشه جغرافیایی ابتکاری و نوشته‌ها و خط‌های تزئینی و هر گونه اثر تزئینی و اثر تجسمی که به هر طریق و روش به صورت سایه یا ترکیبی به وجود آمده باشد.
۶. هر گونه پیکره (مجسمه)؛ جسمی که از گچ، فلز، سنگ و... به شکل حیوان، انسان یا... درست کنند.
۷. اثر معماری از قبیل طرح و نقشه ساختمان؛ این آثار باید دارای ویژگی ابتکاری و واجد جنبه‌های هنری باشند تا مورد حمایت قرار گیرند.

۸. اثر عکاسی که با روش ابتکاری و ابداع پدید آمده باشد؛ اثر عکاسی اصیل و ابتکاری مورد حمایت این قانون می‌باشد.

۹. اثر ابتکاری مربوط به هنرهای دستی یا صنعتی، نقشه‌قالی و گلیم.

۱۰. اثر ابتکاری که بر پایه فرهنگ عام (فولکور) یا میراث فرهنگی و هنر ملی پدید آمده باشد؛ فولکور زیرمجموعه‌ای از دانش سنتی است که به آثار ادبی، هنری، خبری و کلیه اختراعاتی که بر اساس سنت و رسوم بشری مبتنی است، اشاره دارد. فرهنگ عامه از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و متعلق به یک قوم است که با تکامل آن قوم گسترش می‌یابد (زاهدی، ۱۳۷۹).

برای آثار فولکور پدیدآورنده خاصی را نمی‌توان معین کرد. چون اصولاً متعلق به یک ملت هستند و از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابند؛ در صورتی که پدیدآورنده خاصی داشته باشد طبق قوانین از آن حمایت خواهد شد، اما مسلماً تطبیق فولکور با قوانین موجود برای حمایت از تمام مصداق‌های آن کافی نمی‌باشد.

ضمن آن‌که در مورد حمایت از فولکور و مصداق‌های آن در سطح بین‌المللی هنوز تصمیمات قطعی وجود ندارد، اما در مواردی که فولکور متعلق به یک ملت است، استفاده اعضای همان جامعه موجب تعرض به آن نمی‌شود. پس این دسته دعای بیشتر در سطوح بین‌المللی مطرح می‌شود که دولت به نمایندگی از عموم مردم اقدام می‌نماید.

۱۱. اثر فنی که جنبه ابداع و ابتکار داشته باشد؛ این مورد ابهامات زیادی دارد و با آوردن واژه «فنی» به نظر می‌آید که بیشتر مربوط به مالکیت صنعتی باشد و به سختی می‌توان آن را به حمایت از نرم‌افزارهای رایانه‌ای گسترش داد؛ چراکه معمولاً در کشورهایی که قوانین حق مؤلف خود را شامل نرم‌افزار کرده‌اند، این موضوع را در اعداد آثار ادبی و نه یک اثر فنی محسوب کرده‌اند. تفسیر بند ۱۱ موجب اطلاق این عنوان به نرم‌افزار می‌شود که در عرف جهانی معمول نیست؛ چراکه تفسیر قانون به هر حال باید با توجه به اوضاع و احوال و قراین، منطقی باشد؛ در حالی که کشورهایی که مهد رایانه بوده‌اند، مجبور شده‌اند با اصلاح قوانین خود به شمول آن‌ها به این پدیده نو تصریح کنند، چگونه ممکن است گفته شود عبارات قانون‌گذار ایرانی در گذشته دور، چندان افاده شده که نرم‌افزار رایانه‌ای را دربرگیرد (صادقی نشاط، ۱۳۷۶: ۹۰) و اگر بگوییم که آثار مورد حمایت ذکر شده در این قانون جنبه تمثیلی دارد، مشکلی که به وجود می‌آید، در زمینه حمایت کیفری می‌باشد که با توجه به جزایی بودن

قانون نمی‌توان آن را تفسیر موسع نمود.

این مقوله‌ها باید در دید وسیع سنجیده شود و حتی نرم‌افزارهای رایانه‌ای تحت عنوان آثار ادبی مورد حمایت این قانون قرار می‌گیرد. ماده ۱۰۱ قانون کپی‌رایت امریکا در تعریف آثار ادبی بیان داشته است: «آثاری ادبی هستند که به وسیله کلمات، اعداد یا دیگر علائم لفظی یا رقمی بیان می‌شوند؛ صرف‌نظر از ماهیت آن‌ها که کتاب، نشریات، آثار دست‌نوشته و... باشد». ملاحظه می‌شود که نظر مقنن این نمی‌باشد که آثار مورد حمایت حصری قلمداد شوند و برای حمایت از اثر در صورتی که شرایطی که در قانون کپی‌رایت امریکا ذکر شده را دارا باشد، مورد حمایت قرار می‌گیرد و می‌توان با توجه به کلی بودن واژه‌ها، موارد دیگری را نیز جزء آن قلمداد نمود (Haight Farley, 2006: 212).

بر اساس موافقت‌نامه تریپس، حمایت کامل‌تری از آثار ادبی و هنری صورت می‌گیرد و از کشورهای عضو می‌خواهد که در قوانین خویش از نرم‌افزارهای رایانه‌ای نیز همانند آثار ادبی حمایت نمایند.

در معاهده‌های حق مولف وایپو (Wept, Wct)، به قواعد اساسی و تضمین‌کننده حمایت از کپی‌رایت در عصر دیجیتال پرداخته شده و این دو معاهده از آثار ادبی و هنری با توجه به شرایط زمان که بهره‌گیری از آثار به صورت دیجیتالی از طریق شبکه‌های دوسویه امکان‌پذیر است و انتقال متن، صوت، تصویر و برنامه‌های رایانه‌ای از طریق اینترنت امری ساده می‌باشد، حمایت می‌نمایند. امریکا با پیوستن به این معاهدات، مفاد معاهده‌های Wept و Wct را تحت عنوان قانون کپی‌رایت هزاره دیجیتالی (Dmca) در سال ۱۹۹۸ تصویب نمود.

در ایران، ابهام در زمینه حمایت از نرم‌افزارهای رایانه‌ای وجود داشت تا سرانجام بر اساس ماده ۱۶۰ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (مصوب ۷۹/۱/۱۷) گزارش‌های پژوهشی، پایان‌نامه‌ها و نرم‌افزارهای چندرسانه‌ای به عنوان آثار مشمول مفاد قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان قرار گرفتند.

۱۲. هرگونه اثر مبتکرانه دیگر که از ترکیب چند اثر از اثرهای نامبرده پدید آمده باشد؛ اگر اثر جدید، هویتی مستقل از اجزای خود داشته باشد و نشان‌گر ابتکار و ابداعات پدیدآورنده آن باشد، مورد حمایت این قانون خواهد بود. در نتیجه، اثر اشتقاقی که شامل ترجمه، اقتباس و تلخیص می‌شود، تحت این عنوان قرار می‌گیرد. قانون کپی‌رایت امریکا از آثار اشتقاقی که بر اساس بهره‌گیری از یک یا چند اثر قبلی به وجود آمده در صورت بدیع بودن مثل ترجمه،

اقتباس، تلخیص و از آثار تلفیقی که با جمع‌آوری و کنار هم قرار دادن آثار قبلی به گونه‌ای شکل گرفته‌اند که دارای اصالت می‌باشند؛ مثل بیوگرافی‌ها، کتاب‌های راهنما، کاتالوگ‌ها و آثار جمعی^۱، مثل روزنامه‌ها و دایرةالمعارف‌ها نیز حمایت می‌کند.

در بند ۱ ماده ۲ کنوانسیون برن به صورت تمثیلی از آثار تحت حمایت حقوق پدیدآورندگان نام برده شده که شامل همه آثار بدیع در حوزه‌های ادبی و علمی و هنری صرف‌نظر از شکل و قالب بیان آن‌ها می‌گردد و همچنین آثار مبتنی بر آثار دیگر، مانند ترجمه‌ها، آثار تلفیقی، تنظیمات موسیقایی و دیگر اشکال تغییر یافته آثار ادبی یا هنری نیز مورد حمایت هستند (Stim, 2000: 251).

۳. نقش حقوق مالکیت فکری در حوزه محصولات فرهنگی

حقوق مالکیت فکری یا معنوی عبارت است از حقوق مربوط به آفرینش‌ها و خلاقیت‌های فکری در زمینه‌های علمی، صنعتی، ادبی و هنری که دولت به پدیدآورندگان آن‌ها حق انحصاری بهره‌برداری را برای مدت معین به منظور جلوگیری از استفاده غیر مجاز دیگران اعطاء می‌نماید.

۳-۱. اسرار تجاری

اسرار تجاری، فرمول، رویه، فرآیند، طرح، ابزار، الگو یا مجموعه اطلاعاتی است که در یک کسب و کار برای به دست آوردن مزیتی نسبت به رقبا مورد استفاده قرار می‌گیرد. اسرار تجاری نوعی مالکیت فکری محسوب و به صاحب آن حق انحصاری دائمی را در بهره‌برداری از اطلاعات مذکور می‌دهد و این امر بدان معنا است که به محض افشای این اطلاعات، اشخاص ثالث می‌توانند مستقلاً از آن‌ها بهره‌برداری نمایند و این درست در نقطه مقابل حق اختراع که نوعی مالکیت معنوی است قرار دارد که دارای مدت حمایت محدودی است (عموماً ۲۰ سال) و حمایت از آن در قبال افشاء اطلاعات مربوط نزد عموم به عمل می‌آید (لوراسا، ۱۳۷۵: ۵۲). به عبارتی، اسرار تجاری هر نوع اطلاعات ارزشمندی است که دارای ارزش مستقل اقتصادی باشند بدون آن که نزد عموم مورد شناسایی واقع شده باشند مشروط به آن که: اولاً: این اطلاعات به صاحب خود امتیاز رقابتی در بازار تجاری اعطاء کند و بازرگان با استفاده از این اطلاعات بتوانند در عرصه رقابت تجاری وزنه را به نفع خود سنگین‌تر نمایند.

ثانیاً: برای حفظ آن‌ها از تهدید افشاء و دستبرد، اقداماتی به وسیله صاحب این اسرار و اطلاعات صورت‌گیرد تا از نشر آن نزد عموم یا نزد رقبای تجاری جلوگیری شود. بنابراین حقوق مالکیت معنوی با ثبت اختراع به وجود می‌آید و پس از ثبت تا مدت معینی مورد حمایت قانون قرار می‌گیرد و افشاء اختراع پس از ثبت و آگاهی عمومی از آن فی نفسه ضرری را متوجه صاحب اختراع نمی‌کند، اما اسرار تجاری اساساً توسط هیچ نهادی به ثبت نمی‌رسد و حفظ آن‌ها بیش‌تر به اقدامات و مراقبت‌های صاحب اسرار تجاری برمی‌گردد. افشاء اسرار تجاری آن‌ها را فاقد ارزش می‌کند. این اسرار تا زمانی مورد حمایت قرار دارند که شایسته تعریف اسرار تجاری باشند.

۲-۳. معیارهای تعیین و تشخیص اسرار تجاری

هر اطلاعاتی را نمی‌توان جزء اسرار تجاری دانست. معمولاً تشخیص این‌که اطلاعات موجود جزء اسرار تجاری هستند یا خیر با معیارهای ذیل انجام می‌شود:

الف. اسرار تجاری نباید به آسانی توسط عموم قابل شناسایی یا تعیین باشند (مانند فرمول نوشابه‌های کوکاکولا که قریب ۱۰۰ سال است به عنوان اسرار تجاری محفوظ مانده است).

ب. این اطلاعات باید دارای ارزش اقتصادی مستقل در بازار باشند و از نظر عرف تجاری به دارنده خود مزیت و اعتبار اقتصادی ببخشند.

ج. اطلاعاتی که توسط رقبای تجاری مورد شناسایی واقع شده‌اند و آن‌ها نیز از طرق صحیح به آن‌ها دست یافته‌اند، نمی‌توانند به عنوان اسرار تجاری محسوب شوند.

۳-۳. راه‌های حمایت از اسرار تجاری

تا زمانی که صاحب اسرار تجاری اقدامات معقولی برای حفظ اطلاعات به نحو سری انجام دهد و این اسرار محرمانه باقی بماند دارای ارزش اقتصادی هستند. روش‌هایی که جهت حفظ اسرار تجاری وجود دارند به قرار ذیل می‌باشند:

۱. ایجاد امنیت فیزیکی و معقول به نحوی که دسترسی افراد غیر مجاز به اسرار تجاری و سرقت آن‌ها را ناممکن گرداند.
۲. انعقاد قرارداد عدم افشاء با اشخاصی که به صورت مجاز و در حد لازم به اسرار تجاری دسترسی دارند، ولی بایستی متعهد شوند تا از افشاء آن و جاسوسی صنعتی و تجاری خودداری

کنند (صالحی، ۱۳۸۸: ۷۸).

۴. حمایت از کپی‌رایت محصولات فرهنگی در قالب اختراع

در قانون‌گذاری داخلی در ایران، اولین قانون مربوط به مالکیت صنعتی در سال ۱۳۰۴ تصویب شد، در سال ۱۳۱۰ قانون مربوط به ثبت علائم و اختراعات در ۵۱ ماده به تصویب مجلس وقت رسید. قانون ثبت اختراعات، علائم تجاری و طرح‌های صنعتی در آخرین روزهای سال ۱۳۸۶ از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت و بعد از پنج سال اجرای آزمایشی در شرف بازنگری قرار گرفت، مهجورترین حق از میان حقوق مالکیت فکری در ایران مربوط به حقوق مالکیت ادبی و هنری است. در سال ۱۳۴۶ وزارت فرهنگ و هنر وقت لایحه حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان را تهیه و در آبان ماه ۱۳۴۷ تقدیم مجلس کرد که در سال ۱۳۴۸ به تصویب شورای ملی رسید. این قانون از هر جهت جدید و مترقی بود. قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای، در سال ۱۳۷۹ توسط مجلس به تصویب رسید که حقوق پدیدآورندگان به مدت ۳۰ سال حمایت می‌شود. در سال ۱۳۸۳ هم مجلس شورای اسلامی قانون مربوط به حمایت از نشانه‌های جغرافیایی را تصویب کرد (رحمانی، ۱۳۸۹: ۵۷).

در عرصه بین‌المللی، ایران در سال ۱۳۳۷ به کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی پیوست و در سال ۱۳۷۷ آخرین اصلاحات آن را پذیرفت، در سال ۱۳۸۰ اساس‌نامه سازمان جهانی مالکیت فکری را پذیرفت و عضو این سازمان شد، در سال ۱۳۸۲ به موافقت‌نامه و پروتکل مادرید در رابطه با ثبت بین‌المللی علائم تجاری و در سال ۱۳۸۳ موافقت‌نامه مادرید در مورد جلوگیری از نصب نشانه‌های منبع غیرواقعی یا گمراه‌کننده بر روی کالا و همچنین موافقت‌نامه لیسبون در مورد حمایت از اسامی مبدأ و ثبت بین‌المللی آن‌ها ملحق شد.

۴-۱. نقض حق فکری پدیدآورنده ایرانی

در صورتی که حق فکری پدیدآورنده ایرانی، صاحب اثر فکری، در خارج از ایران نقض شود و به دادگاه ایرانی برای احقاق حق مراجعه نماید. قاضی ملزم به صدور رأی است، اما آیا می‌توان پذیرفت که طبق اصل کلی مسؤلیت مدنی، بر اساس قانون محل نقض اثر فکری رسیدگی نماید؟ مصلحت حمایت از اتباع و حقوق فکری ایشان اقتضا دارد که قانون حاکم بر

دعوای نقض حق فکری ایرانیان را قانون ایران بدانیم. این مصلحت، با این ادعا تقویت می‌شود که حاکمیت قانون محل نقض اثر فکری دیگر جایگاه گذشته را ندارد. بنابراین باید در پی استدلال‌های حقوقی جهت ایجاد چنین حکومتی (حکومت قانون ایران) بر مسئله بود. در این راه، می‌توان به مبانی مالکیت فکری مراجعه نمود و استدلال حقوقی را بر مبنای نگرش فلسفی به مسئله بنا نمود. پس می‌توان گفت که مالکیت فکری روشی برای عینی و مادی کردن ویژگی شخصی افراد است، بنابراین هم برآمده از شخصیت فرد است و هم تابع و همراه شخصیت اوست. پس باید رفتاری را با آن داشت که با سایر مسائل مربوط به شخصیت، مثل اهلیت و... داشت. بنابراین می‌توان آن را تابع احوال شخصیه افراد دانست و اصل کلی قانونی برآمده از ماده ۷ قانون مدنی را بر آن اعمال کرد. در نتیجه، باید نقض حق فکری مخترع یا نویسنده ایرانی را که در سرزمین خارجی رخ داده، تابع قانون متبوع دانست و اختلاف ناشی از این نقض و آثار آن را بر اساس قوانین ناظر به نقض مالکیت فکری ایرانی حل و فصل نمود.

در مورد مسئله مذکور، ممکن است راجع به حق مادی صاحب اثر تردید شود، اما در خصوص حقوق معنوی او هیچ تردیدی نیست؛ چراکه حق انتساب و احترام و سرپرستی اثر وابسته به شخصیت پدیدآورنده است، اما این مسئله نافی ارتباط حقوق مادی اثر با شخصیت پدیدآورنده آن نیست. بنابراین در نبود قوانین کافی برای حل تعارض مسئله حاضر می‌توان به این اصل مراجعه نمود (اسماعیلی، ۱۳۸۹: ۱۵۰).

۴-۲. نقض حق فکری انتقال‌گیرنده حق

برای فرض دوم، یعنی در حالتی که حق فکری تبعه ایران، که ممکن است پدیدآورنده نباشد، اما به نحوی بر اثر پدید آمده در ایران یا خارج از کشور دارای حق است، می‌توان به اصل کلی حاکم بر اموال مادی مراجعه کرد.

استدلال نمودم که حق فکری با حق مالکیت جداست، اما این جدایی چندان نیست که بتوان شباهت‌های میان این دو نوع حق را منکر شد. پس از آن جایی که حق انتقال‌گیرنده حقوق مادی اثر، به دلیل ارزش افزوده کار پدیدآورنده، دارای ارزش مالی و شبیه حق مالکیت بر اموال مادی است (در باره انطباق بحث با مالکیت بر اموال مادی و با توجه به اینکه طی قرارداد (مثلاً لیسانس) عینیت مالی یافته است، می‌تواند از نظر تعارض قوانین، تابع اموال باشد

و همانند اموال مادی، قانون محل وقوع آن بر اختلافات راجع به آن حکومت نماید. پس، قانون حاکم بر آن بر اساس مواد ۸، ۹۶۶ و ۹۶۷ قانون مدنی، قانون محل وقوع مال است و قاضی ایرانی بایستی در پی کشف این قانون باشد.

منتها در پذیرش حاکمیت مواد فوق بر آثار فکری، مشکلی که باقی می‌ماند، کشف و تعیین محل وقوع مال است. در این فرض، می‌توان به قانون کشوری مراجعه نمود که بیشترین ارتباط را با اثر فکری موضوع دعوا دارد. در حقوق فکری، به‌ویژه مالکیت‌های صنعتی و مالکیت‌های فکری ثبت‌شده مثل اختراعات بیشترین ارتباط حق فکری را می‌توان با کشور محل ثبت یافت و آن را محل وقوع آن دانست. بنابراین اگر اختراعی در ایران ثبت شده باشد، به این دلیل و نیز به دلیل ارتباط آن با عمل دولتی (صدور ورقه اختراع ایرانی) باید تابع قوانین ایران باشد، اما در مورد سایر آثار فکری، می‌توان به ترتیب محل انتشار و محل اعمال حق فکری (محل عرضه عمومی) را محل وقوع آن دانست. مشکلی که ممکن است در این فرض گریبان ما را بگیرد، پویا بودن حق فکری است. بنابراین ممکن است با چندین محل وقوع طرف باشیم. در این فرض، می‌توان محل وقوع اولی (یعنی محل ثبت یا انتشار نخستین) را به حساب آورد و قانون کشور محل وقوع اولی را حاکم بر موضوع دانست (صالحی، ۱۳۸۸: ۵۵).

۴-۳. ضرورت توجه دادگاه‌ها به مالکیت معنوی

با توجه به اهمیت موضوع مالکیت فکری و مالکیت معنوی در آثار ادبی و هنری، ضرورت این موضوع در فضای مجازی دو چندان جلوه می‌کند. فضایی که به نسبت فضای حقیقی، دسترسی و استفاده از آثار ادبی و هنری به مراتب سهل و آسان‌تر می‌باشد. فضای مجازی نیازمند تقریر قوانین و مقررات به روز و کارآمد در این زمینه می‌باشد تا بتواند تضمین مناسبی برای صاحبان آثار ادبی و هنری در این فضا محقق نماید. پشتوانه این تقریر و تنقیح قوانین، انجام پژوهش‌های مرتبط با این حوزه و استفاده از ثمرات همایش‌های نظیر این همایش می‌باشد.

موضوع حمایت از آثار ادبی و هنری در فضای مجازی، الزامات ملی و بین‌المللی از جمله مباحثی است که از یک‌سو، زیرمجموعه موضوع حقوق مالکیت ادبی و هنری می‌باشد و از سویی دیگر، با بحث فضای مجازی در ارتباط است. منابع دانشگاهی و کتابخانه‌ای داخلی نظیر کتب، پایان‌نامه‌ها، رسالات دانشجویی، مقالات پژوهشی و... به تفصیل وارد این موضوع

نشده‌اند و جزئیات این امر را تبیین و تحلیل ننمودند. با بررسی آثار موجود می‌توان بیان نمود که قریب به اتفاق منابع داخلی موجود در این زمینه، متمرکز بر موضوع حقوق مالکیت ادبی و هنری (در فضای حقیقی و غیر مجازی) شده‌اند و ادبیات این موضوع در حوزه فضای مجازی در کشور ما تقریباً نزدیک به صفر است. اما همان‌طور که پیشتر اشاره شد، در حوزه بین‌الملل فعالیت‌های قابل توجه و چشمگیری از سوی برخی از کشورهای توسعه یافته و نهادهای بین‌المللی از جمله سازمان جهانی مالکیت فکری (WORLD INTELLECTUAL PROPERTY ORGANIZATION) صورت گرفته است.

اگرچه یک نظام یکپارچه جهانی در حمایت از حقوق مالکیت فکری وجود دارد که موافقت‌نامه تربیس اهداف آن را بیان کرده است، اما در صورت اعمال اصول و قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی بر اختلافات مشمول چند صلاحیت در حوزه فناوری‌های اینترنتی، با چالش‌های جدی مواجه می‌شویم. در فضای برخط (آنلاین)، محدودیت‌های سرزمینی حقوق مالکیت فکری، فرو می‌ریزد و جای خود را به بهره‌برداری جهانی روزافزون از این حقوق می‌دهد. مشکل زمانی به وجود می‌آید که حقوق، در بیش از یک سرزمین، مورد حمایت باشند و قوانین ملی متفاوتی مطرح باشد. بنابراین تعیین مرجع صالح ملی برای رسیدگی به اختلافات حاوی عنصر خارجی و نیز شرایطی که به موجب آن، رأی صادره از دادگاه خارجی، قابل شناسایی و اجرا در یک کشور باشد، دشوار می‌نماید. همچنین تشخیص این که کدام قانون ملی بر رسیدگی ماهوی به رابطه حقوقی حاوی عنصر خارجی، حاکم است، کار آسانی نیست.

در حقوق ایران نیز، قانون‌گذار، به امکان نقل و انتقال حقوق و اموال توجه داشته و مستفاد از ماده ۳۶۶ قانون مدنی، تغییر محل وقوع مال فکری به عنوان مال منقول، به حق مکتسب اشخاص، مثل حق ناشی از کنوانسیون‌های بین‌المللی، صدمه نمی‌زند، اما در این خصوص، دو نکته قابل توجه است: نخست، این که ماده، بر حکومت قانون محل وقوع و قرارگیری مال تأکید دارد؛ در حالی که در دارایی‌های فکری، برخلاف اموال ملموس و فیزیکی، تعیین مکان و موقع به علت ناملموس بودن و نداشتن وجود خارجی و مادی و همچنین انتقال سریع در محیط برخط و شبکه‌های اینترنتی، دشوار می‌نماید. دوم، این که با توجه به عدم الحاق ایران به کنوانسیون‌های اصلی و مادر در زمینه حقوق مالکیت ادبی و هنری نظیر کنوانسیون برن، شناسایی و اجرای حقوق مکتسب اتباع خارجی به موجب معاهدات مذکور، محل تردید بوده

و قانون داخلی (قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، مصوب سال ۱۳۱۱ش) نیز تنها از آثاری حمایت به عمل می‌آورد که برای نخستین بار در ایران منتشر شده باشد. اگر دعوایی علیه چند ناقض و متخلف خارجی و چندملیتی مطرح باشد، راه‌حلی که معاهدات بین‌المللی ارائه می‌دهند این است که خواهان می‌تواند در هر یک از کشورهای عضو کنوانسیون، اقامه دعوی کند. با وجود این، در صورت وقوع نقض در چند کشور مختلف، مشخص نیست که خواهان در کدام کشور می‌تواند شکایت کند. به علت ماهیت سرزمینی حقوق مالکیت فکری و همچنین بر اساس اصول و نظریات قدیمی و قرون وسطایی تعارض قوانین، این چالش مطرح می‌شود که دادگاه ملی یک کشور صلاحیت رسیدگی به پرونده‌ای را که ناشی از نقض حقوق خارجی باشد، ندارد (انصاری، ۱۳۸۱: ۸۴).

نتیجه

کپی‌رایت، شاخه‌ای از مالکیت ادبی و هنری از زیرمجموعه مالکیت فکری است که به ابداع‌کنندگان آثار ادبی مانند کتاب، داستان، شعر، نمایش‌نامه، متون مرجع، روزنامه‌های رایانه‌ای، پایگاه داده‌ها، فیلم، قطعات موسیقی و آثار هنری مانند نقاشی، طراحی، عکس و مجسمه، معماری، تبلیغات، نقشه‌های جغرافیایی و نقشه‌های مهندسی تعلق می‌گیرد. دارندگان این امتیاز می‌توانند برای یک دوره زمانی محدود نسبت به نشر و تکثیر آثاری که تولید کرده‌اند، بپردازند و از این منظر کلیه حقوق مادی خویش را نسبت به آثار تولیدی استیفاء کنند.

نظام حقوقی معمول در راستای حمایت از کپی‌رایت با اجرای قوانین موجود نتوانسته است پاسخ‌گوی نیازهای جدید جامعه باشد و کارکرد موفقیت‌آمیزی ارائه دهد. قانون‌گذار در تدوین این قوانین از دستاوردها و تجربیات دیگر کشورهای پیش‌گام در حمایت از کپی‌رایت بهره‌ن گرفته و به همین دلیل، نتوانسته است معیارهای متناسبی با آنچه که در اسناد بین‌المللی مطرح شده است، اتخاذ نماید. برای مبارزه با نقض کپی‌رایت به لحاظ تحولات روزافزون فکری و فرهنگی و پیش از همه، پیشرفت‌های شگفت‌انگیز علمی و تکنولوژیک، ناگزیر به هماهنگ کردن قوانین و مقررات ملی با منافع در مناسبات و معاهدات بین‌المللی هستیم. حقوق مالکیت فکری از جمله قواعد تسهیلی است که چارچوب حمایت از تولیدات فکری را تعیین می‌کند، ولی برای اجرا باید از قواعدی استفاده کرد که راه‌های جبران ضرر به این

حقوق و حمایت اجراهای لازم را فراهم می‌نماید. یکی از راه‌ها، استفاده از قواعد مربوط به مسئولیت مدنی می‌باشد که در آن اصل جبران خسارت کامل مورد پذیرش قرار گرفته و از بقیه ساز و کارهای جبران خسارت کامل‌تر است. در حقوق مالکیت فکری، با توجه به افزایش آن به دلیل توسعه تکنولوژی و عدم کفایت قوانین موجود در این زمینه، تنها با توسل به قواعد کلی مسئولیت مدنی، می‌توان خسارت متضرر را به طور کامل جبران نمود. خسارات ناشی از نقض غیرمستقیم حقوق مالکیت فکری از این قبیل می‌باشند. از طرف دیگر، مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر بوده و ایجاد قوانین ویژه مربوط به مالکیت فکری دال بر در نظر گرفتن مسئولیت محض نمی‌باشد، بلکه باید از این قوانین ویژه به عنوان مبنایی برای تقصیر واردکننده زیان استفاده کرد.

حق مالکیت به عنوان حق کنترل نسخه‌برداری از روی اثر و سایر کاربردهای آن برای مدت زمانی محدود در نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف و در سطح بین‌الملل شناخته شده است. با ظهور رسانه‌های جدید و گسترش شبکه‌های رایانه‌ای و اینترنت، فرصت‌های تازه‌ای هم در کنترل اطلاعات و بیان و هم فرار از این کنترل از یک طرف فراهم کرده و از طرف دیگر، صاحبان اثر را به کنترل انحصاری اثر خود برانگیخته و مردم را نیز به دسترسی آزاد و گسترده بر آن دعوت کرده است.

در این میان، چالشی برای حل این تضاد و ایجاد تعادل بین اثر به عنوان محصول و درآمد و یا به عنوان کالای عمومی به وجود آمده است که دولت‌ها از طریق وضع قراردادهای و هم‌چنین توافقات بین‌المللی و هم‌چنین از طریق قراردادهای خصوصی و فناوری‌های جدید به حمایت از این حق و ایجاد تعادل پرداخته شده است، ولی هم‌چنان پیچیدگی و تناقضات ناشی از این سیستم‌های ارتباطی فراتر از محدوده‌های قضایی دولت‌های ملی وجود دارد.

هرجا که اصل سرزمینی بودن جاری باشد، قواعد حل تعارض قوانین جایی برای اجرا ندارد. معمولاً حقوق فکری مشمول اصل سرزمینی‌اند که با ثبت به وجود آید؛ مانند حق اختراع. بنابراین نسبت به سایر حقوق فکری، همانند کپی‌رایت امکان تعارض قوانین وجود خواهد داشت و می‌توان با قواعدی که ماهیت نقض حق فکری را مد نظر دارد، به حل تعارض قانون حاکم بر آن پرداخت. قاعده عمومی مستنبط از مجموعه مقررات جدید داخلی و بین‌المللی، حکومت قانونی است که نزدیک‌ترین رابطه را با حق فکری و نقض آن دارد. همین اصل می‌تواند برای پیشنهاد به قانون‌گذاران ارائه شود. بر این اساس، هرجا قاعده‌ای خاص،

مثل محل ثبت یا حمایت، راجع به حل تعارض وجود نداشته باشد، قانون کشوری حاکم است که نزدیک‌ترین رابطه را با حق یا نقض دارد.

در خصوص حقوق ایران، آن چه را که بررسی کردیم، تصویری از وضعیت مقررات کنونی حقوق ایران بود. از نظر منطقی، نمی‌توان پذیرفت که حق بر اساس نظام حقوقی به وجود آید و نقض آن بر اساس نظام دیگر مورد قضاوت واقع شود. بنابراین باید قانون حاکم بر آن را همان قانونی دانست که از آن حق حمایت می‌کند؛ به عبارت دیگر، قانون محلی که حمایت آن درخواست شده است. در این جا، قاضی بر اساس قانون مذکور بهتر می‌تواند محتوای حق را معین سازد و راجع به نقض و اثر نقض آن حکم دهد. اعمال اصول مذکور در متن حقوق، کار قانون‌گذار و قاضی است. بنابراین باید منتظر ماند و دید تا عمل قانونی یا رویه قضایی چه تصمیمی درباره موضوع خواهد گرفت.

منابع

- آیتی، حمید. (۱۳۷۵). *حقوق آفرینش‌های فکری*. تهران: حقوقدان.
- اصلائی، حمیدرضا. (۱۳۸۱). *حق اختراع بالحفاظ موافقت‌نامه تریپس*. کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس.
- الستی، ساناز. (۱۳۸۳). *حقوق کیفری مالکیت ادبی و هنری*. تهران: میزان.
- پیش‌نویس لایحه مربوط به حقوق مالکیت ادبی و هنری. گروه پژوهش مالکیت‌های ادبی و هنری پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با همکاری سازمان جهانی مالکیت معنوی.
- پودوفکین، ف. ا. (۱۳۷۰). *فن سینما و بازیگری در سینما*. ترجمه حسن افشار. تهران: مرکز جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۷۰). *حقوق اموال*. تهران: گنج دانش.
- زاهدی، مهدی. (۱۳۷۹). *گزارش همایش بین منطقه‌ای سازمان جهانی مالکیت اخلاقی در خصوص حمایت از دانش سنتی*. ۹-۱۱ نوامبر سال ۲۰۰، تایلند، سخنرانی در دانشکده حقوق دانشگاه علامه طباطبائی، مورخ ۱۳۷۹/۹/۲۱.
- شرح تفصیلی طرح اصلاح ماده ۱۲ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان. مصوبه مجلس شورای اسلامی مورخ ۱۳۸۹/۰۴/۱۳ و تأیید شورای نگهبان مورخ ۱۳۸۹/۰۵/۳۱.
- صادقی نشاط، امیر. (۱۳۷۶). *حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای*. سازمان برنامه و بودجه.

- صالحی، سیدجواد. (۱۳۸۶). «کپی‌رایت و تعامل آن با مالکیت فکری». *تعالی حقوق*. (۱۸).
عبادی، شیرین. (۱۳۶۹). *حقوق ادبی و هنری*. تهران: روشنگران.
قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی. مصوب ۱۳۵۲.
قانون پنج ساله برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. مصوب ۱۳۷۹.
قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای. مصوب ۱۳۷۹.
قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان. مصوب ۱۳۴۸.
میلرسون، جرالده. (۱۳۷۷). فن برنامه‌سازی تلویزیونی. ترجمه مهدی رحیمیان. تهران: سروش.
Bently, Lionel & Sherman, Brad. (2001). *Intellectual Property, Patants, Copyright, Trademark, Allied Rights*. Third. London.
Bern Convention. 1886.
Haight Farley, Christine. (2006). *Protection Copyright: is Intellectual Property the Answer?*. American university-washington college of Law.
Hart, Tina & Linda Fazzani. (2004). *Intellectual Property Law*. American university-washington college of Law.
Rome Convention. 1961.
Stim, Richard. (2000). *Copyright Law*. first edition. west legal studies.
Trade Related Aspects Of Intellectual property Rights Agreement (TRIPs Agreement). 1995.
WIPO Copyright Treaty (WCT). 1996.
World Intellectual Property convention. 1976.